

شناسنامه مقاله

عنوان مقاله :

لزوم تلفیق برنامه های توسعه اقتصادی کشور و سیاست های حفاظت و صیانت از محیط زیست به منظور کاهش اثرات تخریبی و خسارتهای ناشی از اجرای برنامه های توسعه به محیط زیست

مشخصات پدیدآورندگان :

نام و نام خانوادگی : پریسا پژوهش

آخرین مدرک تحصیلی : کارشناس ارشد اقتصاد با گرایش توسعه

سمت و سازمان مطبوع : مشاور ملی توسعه سرمایه گذاری و بنگاههای اقتصادی پروژه حفاظت از تنوع زیستی زاگرس

مرکزی - سازمان حفاظت محیط زیست

پست الکترونیک : parisa@aprc.ca

نام و نام خانوادگی : پویان ایران منش

آخرین مدرک تحصیلی : کارشناس ارشد اقتصاد با گرایش نظری

سمت و سازمان مطبوع : کارشناس امور اقتصادی پروژه حفاظت از تنوع زیستی زاگرسمرکزی - سازمان حفاظت محیط

زیست

پست الکترونیک : p.iranmanesh@yahoo.com

لزوم تلفیق برنامه های توسعه اقتصادی کشور و سیاست های حفاظت و صیانت از محیط زیست به منظور کاهش اثرات تخریبی و خسارتهای ناشی از اجرای برنامه های توسعه به محیط زیست

پریسا پژوهش^۱، پویان ایران منش^۲

چکیده:

امروزه این پرسش مطرح است که چه ارتباطی میان برنامه ها و سیاستهای توسعه اقتصادی و حفاظت و بهره برداری پایدار از محیط زیست وجود دارد. آیا این ارتباط می تواند در قالب سیاستهای نوین بهبود پیدا کند؟

در سالهای اخیر کشورهای مختلف سیاستهای نوین و بیشماری را در رویارویی با اثرات منفی توسعه اقتصادی بر روی کیفیت محیط زیست وضع کرده اند. گرچه اجرای بسیاری از این سیاستها آنها را قادر به رویارویی با تمام جنبه های منفی این اثرات نکرده اما این نتیجه بدست آمده است که بایستی برنامه های توسعه اقتصادی به همراه سیاستهای حفاظت از محیط زیستی طراحی و اجرا گردند.

از چند دهه پیش به این سو، تاکید فراوانی بر همسو سازی سیاستهای توسعه اقتصادی و حفاظت و بهره برداری پایدار از محیط زیست صورت گرفته و اقدامات قابل توجهی نیز در این راستا به انجام رسیده است. گرچه طراحی مدلی که تلفیق هر دو سیاستهای توسعه اقتصادی و محیط زیستی را در بر داشته باشد کمی دور از ذهن به نظر می رسد و برخی مراجع دولتی و بخش خصوصی نیز اعمال سیاستهای تلفیقی را رد و یا آنکه در مقابل چنین تغییراتی مقاومت میکنند، اما خوشبختانه پیشرفتهای مهمی در این زمینه ایجاد شده است که غیر قابل انکار است.

این نوشتار سعی دارد با ارائه بخشی از منافع حاصل از همسو سازی سیاستها و برنامه های توسعه اقتصادی و محیط زیستی، بخشهای خصوصی و دولتی را به بکارگیری این گونه سیاستها تشویق نماید. بر این اساس از تئوری نوسازی محیط زیست بعنوان یک چارچوب مفهومی برای معرفی رویکردهای تلفیقی بهره گیری شده است شاید که این نگرش تلفیقی بتواند فعالیتهای اقتصادی و اجتماعی جامعه را به سوی حمایت از اهداف محیط زیستی سوق دهد.

واژگان کلیدی:

برنامه های توسعه اقتصادی، سیاستهای حفاظت محیط زیست، رویکردهای تلفیقی برنامه های توسعه اقتصادی و سیاستهای حفاظت محیط زیست

مقدمه:

^۱ کارشناس ارشد اقتصاد با گرایش توسعه و مشاور ملی توسعه سرمایه گذاری و بنگاههای اقتصادی پروژه حفاظت از تنوع زیستی زاگرس مرکزی
^۲ کارشناس ارشد اقتصاد با گرایش نظری و کارشناس امور اقتصادی پروژه حفاظت از تنوع زیستی زاگرس مرکزی

با بررسی وضعیت سایر کشورها این موضوع روشن میشود که یکی از عوامل تخریب محیط زیست در سطح کلان، عدم هماهنگی میان برنامه های توسعه اقتصادی- اجتماعی و سیاستهای حفاظت از محیط زیست است. بر این اساس واضح است که هماهنگی سیاستهای حفاظت از محیط زیست بویژه حفاظت و بهره برداری پایدار از تنوع زیستی با برنامه های توسعه اقتصادی، ضمن افزایش کارایی و بهبود رقابت در مجموعه اقتصاد، منجر به حفاظت و صیانت از محیط زیست و جلوگیری از تخریب تنوع زیستی بعنوان سرمایه ملی می گردد.

در دهه های اخیر برخی از کشورهای دنیا سیاستهای خاص محیط زیستی را به منظور پاسخ به اثرات منفی برنامه های توسعه اقتصادی بر روی محیط زیست ارائه کرده اند، اما آنچه که مسلم است اتخاذ این سیاستها در مجموع نتوانسته به اثرات منفی برنامه های توسعه اقتصادی بر روی محیط زیست بصورت جامع و فراگیر پاسخ دهد. ناکارایی سیاستها معمولاً زمانی آشکار می شود که اتخاذ آنها قادر به پاسخگویی به نیازهای بازار در اقتصاد نباشند. به دیگر سخن، این سیاستها از نظر محیط زیستی بی تاثیر و از نظر اقتصادی ناکاراً باشند. در اینگونه موارد تدوین سیاستهای نوین که از نظر محیط زیستی دارای استاندارد لازم و از نظر اقتصادی ضمن کارایی، دارای هزینه های کمتری باشند بعنوان راه حل پیشنهاد می شود. علیرغم اولویتهایی که دولتها ادعا می کنند که در پاسخ به مشکلات محیط زیستی ارائه کرده اند اما بسیاری از اهداف محیط زیستی بطور کامل در کنار اهداف اقتصادی قرار نگرفته اند و سیاستهای محیط زیستی معمولاً در پاسخ به اثرات مخرب سیاستهای اقتصادی (توسعه انرژی، کشاورزی، بهره برداری از زمین، حمل و نقل، تجارت و صنعت که در اصل ابزارهای توسعه اقتصادی هستند) بصورت موردی بکار گرفته می شوند.

نظریه نوسازی محیط زیست بعنوان یک چارچوب مفهومی برای درک بالقوه تلفیق سیاستهای توسعه اقتصادی و سیاست های حفظ محیط زیست بکار می رود. در این رابطه، نظریه نوسازی محیط زیست به جای نگاه کردن به برنامه های توسعه اقتصادی بعنوان یک بازدارنده، به ترویج سیاستهای محیط زیستی می پردازد که تاثیر مثبتی بر روی سیاستهای توسعه اقتصادی دارد. بر خلاف این تصور که برنامه های توسعه اقتصادی کشورها موجب تخریب منابع محیط زیست می شود، نظریه نوسازی محیط زیست، بکارگیری سیاستهایی را در نظر می گیرد که موجب تجهیز نیروهای کارآفرین برای بهره گیری مناسب از محیط زیست و منابع محیط زیستی میشود. بنابراین، این نظریه پیشنهاد می کند که هدفهای اقتصادی و محیط زیستی می توانند در یک چارچوب جدید و با شکل بهتری از سیاستها، بصورت توأمان ارائه شوند که این نوع جدید از سیاستها، موجب کاهش اثرات منفی ناشی از توسعه اقتصادی بر روی محیط زیست می گردند.

با توجه به طبیعت توسعه اقتصادی، نظریه نوسازی محیط زیست تمرکز بیشتری بر بخش صنعت دارد که بخش قابل توجهی از ارزش افزوده را در اقتصاد به عهده دارد. این نظریه می گوید که تغییرات زیر بنایی و تکنولوژیکی می توانند اثرات مخرب بر روی محیط زیست را کاهش داده و پیشنهاد می کند که ساختار توسعه اقتصادی میتواند با ساختن یک مسیر توسعه همراه با فعالیتهای دوستدار محیط زیست بازنگری شود. این ساختار جدید از توسعه، به مصرف کمتر از منابع و تولید کمتر ضایعات تاکید می کند که خود باعث رفاه بیشتر و ایجاد فرصت های شغلی می شود که بیشتر کاربر هستند تا منابع. با توجه به انتقادات موجود به این نظریه، همواره جستجو برای سیاستهایی که بالقوه بر روی ارتباط میان اقتصاد و محیط زیست تاکید می ورزند ادامه دارد.

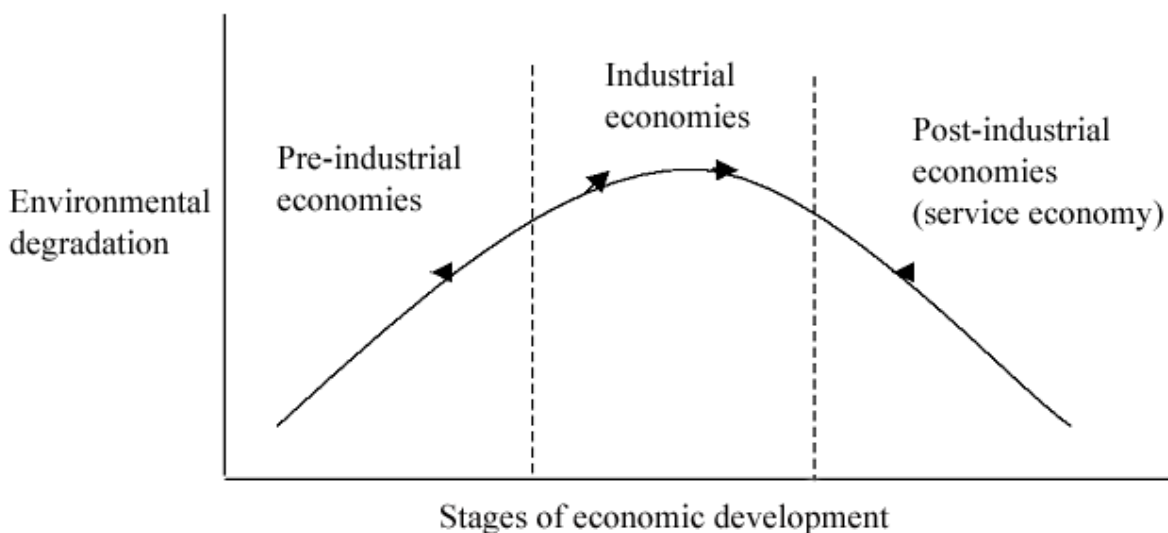
چارچوب تئوریک تلفیق سیاستهای توسعه اقتصادی و حفاظت و بهره برداری پایدار از محیط زیست

به باور برخی اقتصاددانان و جامعه شناسان، رشد روزافزون فعالیتهای اقتصادی نیازمند بهره برداری بیش از پیش از منابع طبیعی و انرژی است که از سویی موجب تولید بیشتر ضایعات می گردد. بهره برداری بی رویه از منابع طبیعی به همراه انباشت ضایعات و آلودگی زیست محیطی، در نهایت کاهش ظرفیت زیست کره را به دنبال داشته و کاهش کیفیت محیط زیست و رفاه انسانها را علیرغم افزایش درآمدها (که به دنبال افزایش توسعه اقتصادی ایجاد شده است) موجب می گردد.

از سوی دیگر برخی اعتقاد دارند که کاهش فعالیتهای اقتصادی می تواند کاهش کیفیت محیط زیست را نیز به دنبال داشته باشد. ارتباط منفی و یا مثبت رشد و توسعه اقتصادی و کیفیت محیط زیست در مسیر توسعه اقتصادی یک کشور بصورت ثابت نشان داده نمی شود. این ارتباط ممکن است در اثر تغییر در درآمد مردم مثبت یا منفی گردد. بطور مسلم افزایش درآمد، مردم را قادر به دستیابی به تسهیلات زیر بنایی کاراتر می گرداند که در ادامه می تواند کیفیت محیط زیست را نیز افزایش دهد. (T.Panayotou, 2003)

منحنی محیط زیست کازنتر^۳ با شکل U وارونه، نشانگر ارتباط معکوس میان رشد و توسعه اقتصادی و تنزل منابع محیط زیستی می باشد. بر پایه منطق بکاررفته در این نمودار، در نخستین سطوح رشد و توسعه اقتصادی یا مرحله پیش از اقتصاد صنعتی، تخریب محیط زیست افزایش می یابد. اما در سطوح بالاتر بویژه در مرحله پس از اقتصاد صنعتی که درآمد سرانه افزایش چشمگیری می یابد، کیفیت محیط زیست نیز بهبود پیدا می کند. بنابراین منحنی U وارونه کازنتر نشان دهنده ارتباط معکوس میان شاخص محیط زیست و درآمد سرانه است. (David .Stern، 2003)

The environmental Kuznets curve: a development-environment relationship نمودار ۱ :



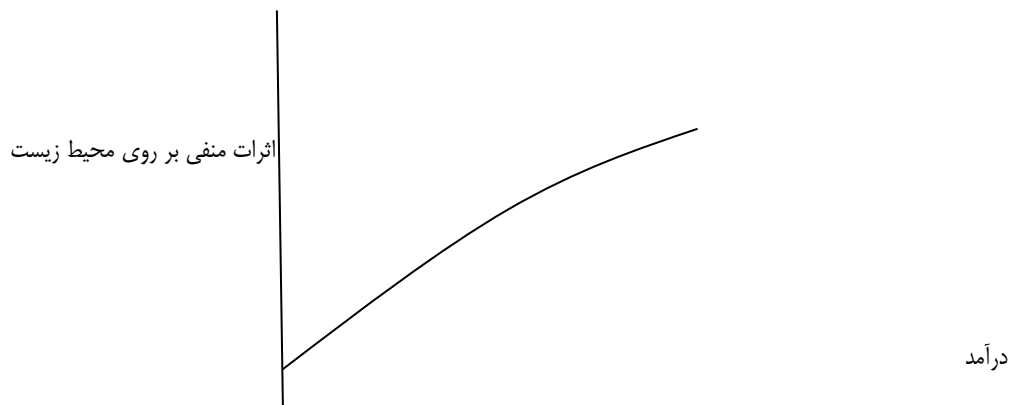
The Environment Kuznets Curve: A Development – Environment Relationship (1955)^۳

بر پایه منطق نهفته در منحنی کازنتز، سه عامل اساسی بر روی محیط زیست اثر می گذارند:

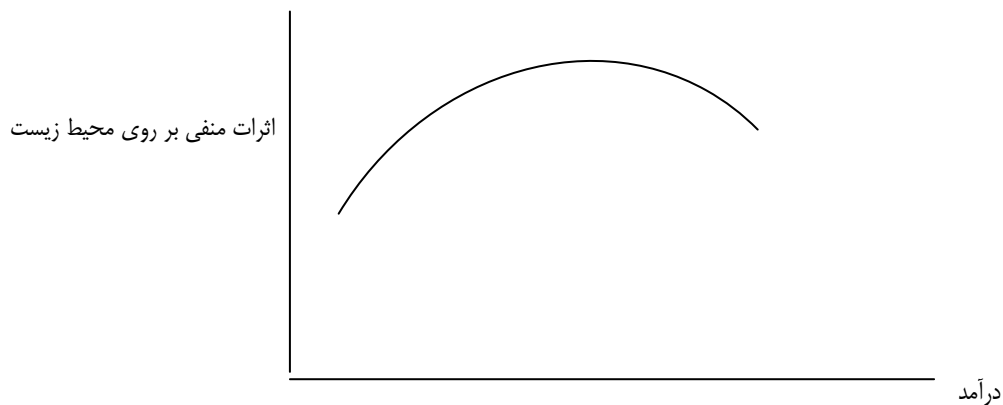
$$\begin{pmatrix} \text{اثرات منفی بر روی} \\ \text{محیط زیست} \end{pmatrix} = \begin{pmatrix} \text{اندازه فعالیت های} \\ \text{اقتصادی} \end{pmatrix} * \begin{pmatrix} \text{ساختار فعالیت ها} \\ \text{اقتصادی} \end{pmatrix} * \begin{pmatrix} \text{اثرات درآمد بر روی تقاضا و عرضه} \\ \text{بر روی کیفیت محیط زیست} \end{pmatrix}$$

در سطح پائین درآمد، در جایی که اقتصاد در مرحله پیش از اقتصاد صنعتی و یا میان اقتصاد صنعتی و اقتصاد پیش از صنعتی است و از تکنولوژی ساده تر و دانش کمتری استفاده می شود، اثرات منفی بر روی محیط زیست بیشتر خواهد بود. در سطح درآمد بالاتر، از آنجا که ساختار و ترکیب فعالیتهای اقتصادی به دلیل بهره گیری از تکنولوژی بهتر و دانش برتر بهبود یافته، اثرات منفی بر روی محیط زیست کاهش می یابد.

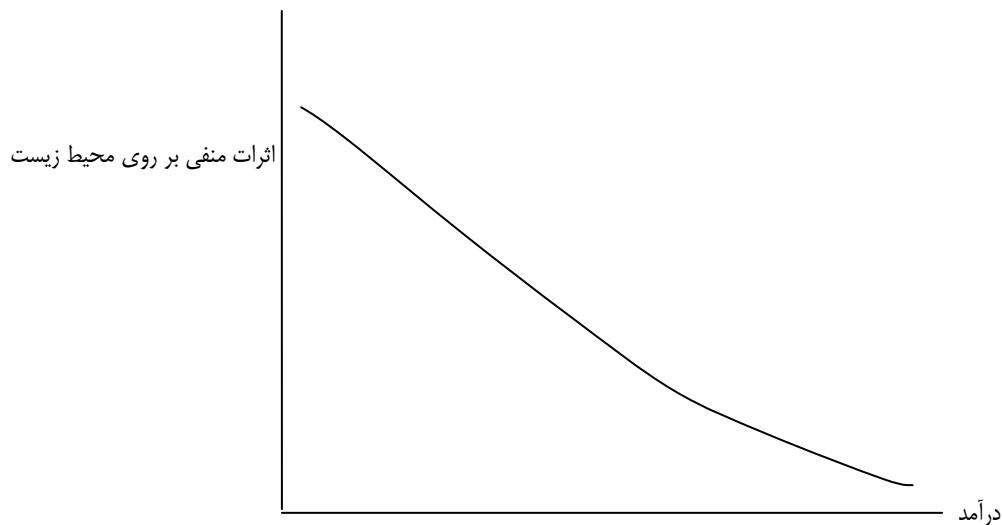
نمودار ۲: اندازه فعالیت های اقتصادی



نمودار ۳: ساختار فعالیت های اقتصادی



نمودار ۴: اثرات درآمد بر روی تقاضا و عرضه بر روی کیفیت محیط زیست



برپایه منحنی کازنتز، روند تخریب محیط زیست در کشورهای درحال توسعه بیشتر بوده در حالیکه در کشورهای توسعه یافته این روند رو به کاهش است. در سطوح بالاتر از توسعه اقتصادی، کشورها با ایجاد تغییرات ساختاری به سوی صنایع و خدمات هوشمند همراه با افزایش آگاهی های اجتماعی در زمینه حفاظت از محیط زیست، اجرای قوانین محیط زیستی و به کارگیری تکنولوژی برتر می روند تا تخریب منابع طبیعی به تدریج کمتر شود. (T.Panayotou, 2003)

کشورهای توسعه یافته با طراحی سیاستهای نوین تلفیقی توسعه اقتصادی و حفاظت محیط زیست و ایجاد تغییر ساختار به سوی اقتصاد خدماتی و تغییر تکنولوژیکی بسوی تولیدات با مصرف کمتر انرژی و منابع، سعی در کاهش اثرات مخرب بر کیفیت محیط زیست را دارند. کشورهای درحال توسعه نیز با طراحی سیاستهای نوین توسعه اقتصادی و حفاظت محیط زیست، بازنگری ساختار صنایع، تغییر شکل بازار از راه واقعی کردن قیمت انرژی، مواد و دیگر منابع و اضافه کردن آن به هزینه های اقتصادی و بین المللی سعی در کاهش اثرات مخرب بر کیفیت محیط زیست را دارند. (T.Panayotou, 2003)

بدین روی، استفاده از سیاستهای همسو سازی با در نظر گرفتن اهداف توسعه اقتصادی به همراه اهداف حفاظت از محیط زیست نه تنها موجب افزایش توسعه اقتصادی از راه تغییر ساختار فعالیتهای اقتصادی می گردد بلکه از هدر رفتن منابع محیط زیستی نیز می کاهد. از نظر بسیاری از کارشناسان محیط زیست موضوع همسو سازی سیاستهای توسعه اقتصادی و محیط زیست اهمیت بیشتری دارد، چرا که تجربه ثابت کرده در اغلب مواقع اهداف محیط زیستی تحت الشعاع اهداف اقتصادی قرار گرفته اند. این مسئله منجر شده است که سیاستهای محیط زیستی تنها پاسخگوی سطحی به اثرات تخریبی در بخش های انرژی، کشاورزی، حمل و نقل، تجارت و صنعت که بیشترین نقش را در توسعه اقتصادی دارند، باشد. به نظر برخی از کارشناسان محیط زیست، گر چه سیاستهای محیط زیستی تا حدی توانسته به کاهش و یا حل معضلات محیط زیستی بپردازد، اما در بسیاری از مواقع نیز، سیاستهای محیط زیستی قادر به پاسخگویی اثربخش و یا کارا به اثرات مخرب توسعه اقتصادی نبوده اند.

حال با توجه به دغدغه های موجود کارشناسان محیط زیست درباره نقش سیاستهای محیط زیستی، بررسی نقش این سیاستها و ارتباط آنها با سیاستهای توسعه و رشد اقتصادی اهمیت بیشتری پیدار می کند .. آشکار است که سیاست ها و استراتژی های برگزیده شده می بایست اهداف توسعه اقتصادی و محیط زیستی را توأمان به همراه داشته باشند. در این رابطه می توان از تئوری نوسازی محیط زیست^۴ به عنوان یک ایده برای تلفیق سیاستهای توسعه اقتصادی و سیاستهای محیط زیستی بهره گرفت. (A.Gouldson and P.Roberts, 2000)

تئوری نوسازی محیط زیست

تئوری نوسازی محیط زیست نخستین بار در اوایل سالهای ۱۹۸۰ در میان گروه کوچکی از کشور های اروپای غربی مانند آلمان، هلند و انگلستان شکل گرفت. هدف این تئوری، بررسی بحران های محیط زیستی در جوامع صنعتی امروزی می باشد. در واقع این تئوری در راستای بهسازی سیاست های محیط زیستی موجود و یا پیش بینی شده در عملکرد اجتماعی و نیز طرح های نهادی و گفتمان های سیاستی به منظور حفظ جوامع تمرکز دارد. (A. Mol & D. Sonnenfeld, 2000)

برخی از متخصصان تاکید دارند که تغییرات اجتماعی در نهاد ها، شیوه ها و عملکرد ها و نیز گفتمان ها همگی به موازات اختلالات ایجاد شده در محیط زیست بوجود آمده اند. بر این اساس، فرآیند کاهش استفاده از منابع محیط زیستی در جریان توسعه اقتصادی در کشور های معتقد به تئوری نوسازی محیط زیست همچون آلمان، ژاپن، هلند، سوئد، و دانمارک آغاز گردید. در بسیاری از این کشور ها، بهسازی سیاست های محیط زیست حتی موجب کاهش استفاده از منابع طبیعی و یا کاهش آلودگی علی رغم رشد اقتصادی در تولیدات و جریان پولی شد. مناظرات گوناگونی در باره این پدیده انجام گرفت و اتفاقی بودن و یا ساختاری بودن این تغییرات بررسی گردید. تغییرات نهادی و اجتماعی بدست آمده از بکار گیری تئوری نوسازی محیط زیست را می توان در پنج گروه طبقه بندی کرد: (A. Mol & D. Sonnenfeld, 2000)

- تغییرات در دانش و تکنولوژی نه تنها در شناسایی معضلات محیط زیستی نقش داشتند بلکه در ارائه راه حل برای رفع آنها نیز نقش ویژه ای را ایفا کردند. بدین ترتیب راه حل های موجود سنتی برای پیشگیری از معضلات محیط زیستی توسط رویکرد های نوین اجتماعی- تکنولوژیکی همراه با ملاحظات محیط زیستی جایگزین گردیدند.
- افزایش اهمیت پویایی بازار و عوامل اقتصادی (همچون تولید کنندگان، مشتریان، مصرف کنندگان، موسسات اعتباری، شرکت های بیمه و غیره) همسو با تغییر ساختار و بهسازی سیاست های محیط زیستی
- تغییرات در نقش دولت از طریق ایجاد حکومت های غیر متمرکز، انعطاف پذیر و مبتنی بر رضایت طرفین با کمترین مقررات مرکزی کنترل محیط زیست

Ecological Modernization^۴

- تغییرات در موقعیت ، نقش و ایدئولوژی گروه های اجتماعی از طریق افزایش مداخله گروه های اجتماعی در تصمیم گیری های نهادی دولتی و خصوصی در زمینه بهسازی سیاست های محیط زیست

- تغییرات استدلالی و پیرایش ایدئولوژی نوین از راه همسو سازی اهداف و سیاستهای اقتصادی و محیط زیستی

تئوری نوسازی محیط زیست بکار گیری مقررات محیط زیست را همزمان با رقابتی تر شدن صنایع پیشنهاد می کند. در واقع این تئوری بکارگیری مقرراتی را پیشنهاد می کند که بهره گیری از تکنیک های تولید و تکنولوژی نوین را تشویق می کنند. تئوری نوسازی محیط زیست بر استمرار ابداعات و اختراعات تاکید می ورزد. اختراعات و ابداعات به بنگاههای اقتصادی و تولید کنندگان برای رسیدن به تکنولوژی پاک از راه اعمال تغییرات تکنولوژیکی و تغییرات سازمانی و نیز جستجو به منظور یافتن استراتژیها و فرصتهای عملیاتی که موجب پیشرفت آنها می شود یاری می رساند.

به طور کلی تئوری نوسازی محیط زیست به عنوان یک چارچوب مفهومی برای درک بالقوه از همسو سازی سیاست های اقتصادی و محیط زیستی به کار می رود. این تئوری به عنوان یک چارچوب مفهومی از سه راه تفسیر و اجرا می گردد :
(A.Gouldson and P.Roberts, 2000)

- اول ، استفاده از تئوری نوسازی محیط زیست در تشریح روشهایی که جوامع پیشرفته و سنتی به خطرات محیط زیستی ناشی از صنعتی شدن پاسخ می دهند .

- دوم ، استفاده از تئوری نوسازی محیط زیست در تشریح و آنالیز مباحث و مناظرات در زمینه محیط زیست و صنعتی شدن

- سوم، استفاده از تئوری نوسازی محیط زیست به عنوان یک مفهوم برای راهنمایی برنامه و بهسازی سیاستها

تئوری نوسازی محیط زیست به سیاست های حفاظت محیط زیست به عنوان یک بازدارنده در راه توسعه اقتصادی نمی نگرد. بلکه این تئوری شکل نوینی از سیاست های محیط زیست را به عنوان یک تاثیر مثبت بر روی توسعه اقتصادی در نظر می گیرد. از سوی دیگر تئوری نوسازی محیط زیست به سیاست های توسعه اقتصادی نیز به عنوان منبعی برای تخریب منابع محیط زیستی نمی نگرد. بنابراین تئوری نوسازی محیط زیست هماهنگی و همسو سازی اهداف و سیاست های توسعه اقتصادی و حفاظت محیط زیست را به عنوان چارچوب یک اقتصاد صنعتی پیشرفته تشویق می کند.

در ارتباط با توسعه اقتصادی، تئوری نوسازی محیط زیست در جستجوی بخشهایی است که ترکیب بالاتری از سطوح توسعه اقتصادی را با پائین ترین سطح از اثرات تخریبی محیط زیست دنبال می کنند. این تئوری بر سیاست های توسعه اقتصادی تاکید دارد که صنایع با دانش و تکنولوژی برتر را جایگزین صنایعی می سازد که از انرژی و منابع طبیعی بسیاری استفاده می کنند. تئوری نوسازی محیط زیست بر این باور است که تغییرات زیربنایی و تکنولوژیکی می تواند تغییرات گسترده ای در کاهش تخریب محیط زیست ایجاد کند. بدین ترتیب ، تئوری نوسازی محیط زیست از طریق ترکیب تغییرات تکنولوژیکی، زیر بنایی و بخشی، ساختار نوینی از توسعه اقتصادی را پیشنهاد میکند که اهداف بهبود محیط زیست را در بر دارد. این ساختار نوین ، از توسعه اقتصادی مصرف کمتر منابع و تولید کمتر ضایعات را دنبال کرده در حالیکه رفاه اقتصادی و فرصتهای شغلی را که بیشتر

کاربر هستند تا منابع بر پیشنهاد می کند. طرفداران تئوری نوسازی محیط زیست می گویند که تغییرات در هر دو سطح کلان و خرد اقتصادی موجب بهبود چشمگیر سیاست های حفاظت از محیط زیست خواهد شد.

منتقدان تئوری نوسازی محیط زیست این تئوری را یک پاسخ موقتی و جزئی به عوامل تخریب محیط زیست می دانند. جزئی، به این دلیل که این تئوری توان پاسخ گوئی به تغییرات اجتماعی همچون عدالت اجتماعی و یا توزیع ثروت و قدرت در روابط اجتماعی را ندارد و موقتی، به این دلیل که این تئوری در پاسخ به چالش های وسیع تر میان اهداف اقتصادی و محیط زیستی ناتوان است.

اگر چه تئوری نوسازی محیط زیست قادر به پاسخ گوئی به چالش های وسیع تر میان اهداف اقتصادی و محیط زیستی نیست اما دست کم می تواند فرصتی را برای طراحی سیاست های نوین فراهم سازد. سیاست های نوینی که بالقوه می تواند بر ارتباط میان توسعه اقتصادی و محیط زیست اثر بگذارد. در ادامه نمونه ای از همسو سازی سیاستهای توسعه اقتصادی و محیط زیستی بر پایه چار چوب مفهومی تئوری نوسازی محیط زیست ارائه می شود.

تجربه اتحادیه اروپا در زمینه تلفیق سیاست های توسعه اقتصادی و سیاستهای حفاظت از محیط زیست

تلفیق سیاستهای توسعه اقتصادی و حفاظت از محیط زیست از چندین سال پیش در دستور کار اتحادیه اروپا قرار داشته و از طریق برنامه های عملیاتی محیط زیست با هدف ارتقاء سیاستهای محیط زیست به صورت موثر در حل معضلات اقتصادی همچون رشد اقتصادی، بیکاری و ایجاد شغل نقش داشته است. در سالهای اخیر برنامه هایی به منظور افزایش آگاهی های محیط زیستی در فعالیت های دولتی و بخش خصوصی انجام گرفته است. از سالهای ۱۹۹۰ ترکیبی از عوامل محیط زیستی و سیاست های عمومی که بر پایه چار چوب مفهومی تئوری نوسازی محیط زیست ایجاد شده اند، ارتباط مستقیم و کارایی را میان توسعه اقتصادی و محیط زیست بیان می دارند. در همین زمینه، نهاد های اتحادیه اروپا رویکرد فعالانه ای را بسوی همسو سازی سیاستهای حفاظت از محیط زیست که توسط کمیسیون اروپا ارائه گردید با استراتژی های توسعه اقتصادی آغاز نمودند. اتحادیه اروپا از طریق وجوه ساختاری توانست به اقتباس چندین اصول در میان توسعه اقتصادی همچون برنامه ریزی استراتژیک، مشارکت، پایش، ارزیابی و چالش های محیط زیستی بپردازد. اگر چه اتحادیه اروپا در این راستا به موفقیت های خوبی دست یافت اما برخی از اهداف استراتژیک در زمینه توسعه پایدار همچنان نامشخص باقی ماندند که البته شاید بتوان آن را به دلیل محدودیت های نهادی و یا به کارگیری نادرست و سنتی سیاست های محیط زیستی و یا سیاستهای بازار کار و صنایع دانست. (K.Clement & J.Bachtler, 2000)

اتحادیه اروپا با توسعه منطقه ای از یک سو و با درک بهتر از اعتبارات ساختاری^۵ و دست یافتن به کارایی مالی از سوی دیگر می تواند از چشم انداز مثبتی برای آینده خود برخوردار باشد. همچنین با یک سری ارزیابی های انجام شده توسط اتحادیه اروپا

اطلاعاتی گردآوری می شوند که اثرات محیط زیستی ناشی از اعتبارات ساختاری را شناسایی و اندازه گیری کرده و آن را به پایان موفقی هدایت می کنند. بدین ترتیب، فرصتهایی برای توسعه بهتر همسو سازی سیاستهای محیط زیست شناسایی می شوند. از دید پیشرفت محیط زیست، شماری از برنامه های مشارکتی با رویکرد های نوین برای همسو سازی سیاست های محیط زیست، ایجاد شاخص ها برای پایش محیط زیست و تشخیص نیاز ها برای طبقه بندی کردن محیط زیست بر اساس معیارهای برگزیده شده، از دیگر موارد به حساب می آیند.

با در نظر گرفتن آینده سیاستهای محیط زیست اروپا، کمیسیون اروپا تمایل بیشتری برای همسو سازی عمیق تر سیاستهای محیط زیستی در تمام تصمیم گیریهای نظام تولید و مصرف در هر دو بخش دولتی و خصوصی دارد. بویژه در رابطه با سیاستهای منطقه ای اروپا، تمامی جوامعی که در عملیات تخصیص منابع از جمله اعتبارات ساختاری نقش دارند، در ملاحظات سیاستهای محیط زیستی قرار می گیرند. این به معنای دستیابی به همسو سازی گسترده تر اولویتهای محیط زیستی در استراتژی توسعه اقتصادی می باشد که از راه مشارکت قابل توجه کارشناسان محیط زیست، دنبال کردن موثر برنامه و طرح های محیط زیست و شناسایی و اجرای معیارهای محیط زیستی در زمان ارزیابی پروژه های خاص، بدست می آید. (K.Clement & J.Bachtler, 2000)

سیر تحول برنامه های توسعه اقتصادی در ایران

توسعه اقتصادی و اجتماعی از طریق تدوین برنامه ریزی علمی و فنی در ایران، مثل اغلب کشورهای در حال توسعه خیلی دیر شروع شد. برنامه ریزی عمرانی با روش جدید در ایران بیش از پنجاه سال سابقه دارد و مسیر تاریخی آن از آغاز تاکنون تقریباً همگام با مسیر تکاملی تئوریهای برنامه ریزی در کشورهای غربی و روشهای گوناگون اجرایی در آن کشورها بوده که غالباً بوسیله مهندسان مشاور اجرا شده است. (حسینی ابری ۱۳۸۰، ص ۲۷۵)

در واقع نخستین گام برنامه ریزی عمرانی کشور از طریق دخالت مستقیم دولت در سال ۱۳۱۶ (ه. ش) با تشکیل مجمع شورای اقتصادی کشور برداشته شد و به دنبال آن فعالیتهای دیگری در سالهای بعد صورت گرفت که هیچکدام از این فعالیتها به علت نابسامانی اوضاع کشور تا سال ۱۳۲۵ گامی اساسی در جهت عمران کشور نبود، تا اینکه بعد از بهبود شرایط مالی کشور در سال ۱۳۲۵ هیاتی بنام کمیته برنامه بوجود آمد که بر اساس طرح های وزارتخانه ها، برنامه هایی برای مدت هفت سال تهیه کند. بدین ترتیب اولین هسته برنامه ریزی اقتصادی در ایران بوجود آمد و در تعقیب آن در مرداد ماه ۱۳۲۵ مجمع بنام هیات عالی برنامه ریزی تشکیل شد. هیات مذکور پس از بررسی های لازم برنامه های عمرانی هفت ساله کشور را تنظیم نمود و در بهمن ماه ۱۳۲۷ آنرا به تصویب مجلس رساند. (آسایش ۱۳۷۴، ص ۳۱)

تا قبل از پیروزی انقلاب، شش برنامه تهیه و تنظیم شد که پنج برنامه اجرا گردید و برنامه ششم به دلیل تقارن با انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ اجرا نشد. اولین برنامه که در سال ۱۳۲۷ آغاز شد با فکر و نگرش برنامه ریزی در کشور از طریق ایجاد سازمان برنامه و بودجه با مکانیزم انجام کار و ایجاد نظم در امور اقتصادی مطرح گردید. برنامه دوم با همان روش تهیه شد ولی بعنوان

شالوده توسعه اقتصادی و اجتماعی کشور شهرت یافت. گفتنی است که برنامه اول و دوم شامل تعداد مشخصی طرح و پروژه بود که با اعتبارات دولتی و توسط دولت به اجرا در آمده و مردم مشارکت و مداخله ای در این زمینه ها نداشتند. برنامه سوم اولین برنامه نظام یافته جامع بود که تمامی بخش ها را در بر می گرفت و مشارکت بخش دولتی و خصوصی در آن دیده میشد. در این برنامه نظام ریزی تکامل یافت و به برنامه ریزی منطقه ای و ایجاد سازمان برنامه توجه خاصی مبذول گردید. در برنامه چهارم نیز نظام برنامه ریزی از غنای خاصی برخوردار شده و مشارکت دولت و بخش خصوصی در آن دیده شد و سهم سرمایه گذاری بخش خصوصی نسبت به بخش دولتی پیشی گرفت. قطبهای توسعه صنعتی، کشاورزی و جهانگردی مورد توجه قرار گرفت و تمرکز سرمایه گذاری در آنها انجام یافت. نظام برنامه ریزی در برنامه پنجم نسبت به برنامه های گذشته تکامل یافته تر شد. دفاتر برنامه و بودجه در استانها ایجاد گردید. انجمن های استان و شهرستان بوجود آمدند و فعال شدند و طرح آمایش سرزمین به عنوان فکری جدید در نظام برنامه ریزی مورد توجه قرار گرفت. (مهاجرانی، ۱۳۷۷، ص ۹۹-۹۱)

پس از پیروزی انقلاب اسلامی تا مدتی استفاده از برنامه ریزی برای پیشبرد بهینه امور و تحقق هدفهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به دلایلی مورد توجه قرار نگرفت. در این اثنا شش برنامه توسعه در کشور طراحی شد سه برنامه اول تحت شرایط بحرانی بعد از انقلاب به تصویب نرسید و در عمل به برنامه های مقطعی تبدیل شد. (چمران ۱۳۷۷، ص ۲۲۴).

نخستین تلاش معاونت برنامه ریزی و نظارت راهبردی ریاست جمهوری (سازمان برنامه و بودجه سابق) در تهیه برنامه توسعه به سال ۱۳۶۱ باز می گردد که طی آن برنامه توسعه پنج ساله (۶۶-۱۳۶۲) با ۸/۸۶۳ میلیارد ریال اعتبار پیش بینی شده بود که فقط ۱۳/۴ درصد آن به کشاورزی و منابع طبیعی اختصاص داشت، اما به دلایلی که مهمترین آن جنگ تحمیلی عراق علیه ایران بود مورد تصویب مجلس شورای اسلامی قرار نگرفت.

در دهه دوم پس از انقلاب اسلامی و یک سال پس از پایان جنگ تحمیلی، دولت برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۷۲-۱۳۶۸) را با انتخاب استراتژی آزاد سازی اقتصادی و بازسازی آغاز نمود. این برنامه در بهمن ۶۸ به تصویب رسید و هدف های کلی آن عبارت بودند از بازسازی و تقویت ظرفیت دفاع ملی، بازسازی مراکز تولیدی، ایجاد رشد اقتصادی با محوریت بخش کشاورزی و مهار تورم، تأمین عدالت اجتماعی، تأمین حداقل نیازهای اساسی مردم تعیین و اصلاح الگوی مصرف و اصلاح سازمان و مدیریت اجرایی و قضایی کشور. (قانون برنامه اول توسعه، سال ۱۳۶۶-۱۳۶۲)

مهم ترین خط مشی های برنامه اول در این زمینه عبارتند از کاهش سطح پوشش خدمات دولتی و آموزش و انتقال آن به بخش غیر دولتی، کاهش هزینه های دولت، تغییر سیستم سهمیه بندی کالاهای اساسی، تغییر سیاست نرخ گذاری کالاها و تعادلی شدن قیمت آن ها، خصوصی سازی موسسات دولتی و واگذاری تجارت خارجی به اشخاص حقیقی و حقوقی، افزایش درآمدهای مالیاتی و کاهش کسری بودجه. (پژویان، ص ۲) تنها موضوع محیط زیستی مربوط به تبصره ۱۳- قانون برنامه اول است که به منظور فراهم نمودن امکانات و تجهیزات لازم جهت پیشگیری و جلوگیری از آلودگی ناشی از صنایع آلوده کننده، کارخانه ها و کارگاهها موظف شدند یک در هزار از فروش تولیدات خود را با تشخیص و تحت نظر سازمان حفاظت محیط زیست صرف کنترل آلودگیها و جبران زیان ناشی از آلودگیها و ایجاد فضای سبز نمایند.

برنامه دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۷۸-۱۳۷۴) از لحاظ استراتژی ها و الگوها، شبیه برنامه اول بود ولی اهداف متفاوتی را دنبال می کرد. مهم ترین ویژگی برنامه دوم این بود که در آن به ساختارها و زیربنایها توجه شده بود. تربیت نیروی انسانی، بهره وری نیروی کار و عوامل تولید، توسعه پایدار و حفظ محیط زیست در مورد منابع پایان ناپذیر و همینطور مسئله تحقیقات و پژوهش در این برنامه مورد توجه قرار گرفته و سعی در کاهش اندازه دولت و تقویت بخش خصوصی و تعاونی ها شده بود. (پژویان، ص ۴) مهمترین موضوعات محیط زیستی که در قانون برنامه دوم بدان اشاره شده بود نیز مربوط به تبصره ۸۲ قانون برنامه است که بطور مشخص عنوان کرده که در طول برنامه دوم کلیه فعالیتهای اقتصادی واجتماعی بایستی با رعایت ملاحظات زیست محیطی صورت گیرد.

برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۸۳-۱۳۷۹) در شرایطی تدوین گردید که به رغم ۵۰ سال سابقه برنامه ریزی راهبرد مشخصی بر فرآیند برنامه ریزی حاکم نبوده و نوع برنامه ها از نظر جامعیت، نگرش های منطقه ای-بخشی، عمق و حد تفصیل مشخصی نداشت، ضمن آن که تحقق عملی اهداف کمی مورد نظر برنامه در گرو تحقق منابع پیش بینی شده در طی سال های برنامه بود که به علت عدم قطعیت در حصول منابع مالی کشور و متاثر بودن از قیمت های جهانی نفت به طور معمول فاصله زیادی بین اهداف برنامه با عملکرد آن بوجود می آمد. مهم ترین ویژگی برنامه سوم این بود که در این برنامه بر مشکل یابی و نهاد سازی برای حل مشکلات کشور تاکید شده است. لذا طراحان برنامه سوم عمدتاً به دنبال یافتن خط مشی هایی بوده اند که بتوانند کل جامعه را متحول کنند. بنابراین این برنامه مجموعه ای از سیاست ها و راه حل ها می باشد. در این برنامه تحقق عدالت اجتماعی در اولویت قرار گرفته و رشد سریع اقتصادی، اشتغالزایی و مهار تورم از راههای نیل به این مقصود بر شمرده شده است. اموری همچون اصلاح اساسی ساختار اقتصادی، افزایش کارایی مدیران، ایجاد شبکه های تامین اجتماعی کارآمد و کاهش وابستگی به درآمدهای نفتی مورد تاکید است.

در فصل ۱۲ برنامه سوم مشخصاً به سیاست های زیست محیطی پرداخته شده است که از جمله مهمترین مواردی که به صراحت به آن اشاره شد بهره برداری از منابع طبیعی کشور براساس توان بالقوه منابع است.^۷ یکی دیگر از موارد تسریع شده در این بخش به این موضوع اشاره دارد که کلیه طرحها و پروژههای بزرگ تولیدی و خدماتی باید پیش از اجرا و در مرحله انجام مطالعات امکان سنجی و مکان یابی، براساس ضوابط پیشنهادی شورای عالی حفاظت محیط زیست و مصوب هیأت وزیران مورد ارزیابی زیست محیطی قرار گیرد و رعایت نتایج ارزیابی توسط مجریان طرحها و پروژههای مذکور الزامی است.

لایحه برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۸۸-۱۳۸۴) که مهمترین مرحله تحقق جامعه آرمانی در چشم انداز توسعه کشور محسوب می شود بطوریکه مهم ترین ویژگی برنامه چهارم تهیه و تنظیم این برنامه در

^۶ متأسفانه در سالهای مورد اشاره، مفهوم برنامه ریزی به مثابه تخصیص بودجه های پنج ساله پنداشته شده است که در نتیجه هر برنامه به صورت انبوهی از اعداد و ارقام درآمد و حفظ سازگاری بین اجزای آن بسیار دشوار و حتی غیر ممکن است.

^۷ براین اساس دولت موظف شد ضمن حفظ روند رشد تولیدات و بهره برداری پایدار از منابع، با اجرای طرحهایی از قبیل "تعادل دام و مرتع"، "خروج دام از جنگل" و "تأمین علوفه دام و سوخت جنگل نشینان، عشایر و روستائیان، حفظ و حراست از منابع پایه و ذخائر ژنتیکی، هماهنگی در مدیریت یکپارچه منابع پایه و نهادینه کردن مشارکت مردم در برنامه ریزی، تصمیم گیری و اجراء" ترتیبی اتخاذ نماید که تعادل محیط زیست نیز حفظ شود.

چارچوب چشم انداز بلند مدت کشور است؛ در تدوین چشم انداز بر اساس روندهای گذشته متغیر های کلان، تصویری از آینده با فرض ادامه روند موجود ترسیم شد. سپس با توجه به واقعیت های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه و امکانات و محدودیت ها، تصویری از آینده مطلوب ارایه شد. مطالعات مربوط به آمایش سرزمین از دیگر پایه های مورد استفاده در تنظیم چشم انداز بوده است. (پژویان، ص ۸)

فصل پنجم این برنامه مشخصا به حفظ محیط زیست اشاره دارد که از جمله مهمترین آن الزام دولت در اجرای برنامه عمل حفاظت و بهره‌برداری از تنوع زیستی کشور با انجام هماهنگی لازم بین دستگاههای ذی‌ربط می باشد^۸. علاوه بر آن سازمان حفاظت محیط زیست مکلف شد تا با همکاری سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی و سایر دستگاه‌های مرتبط، به منظور برآورد ارزشهای اقتصادی منابع طبیعی و زیست‌محیطی و هزینه‌های ناشی از آلودگی و تخریب محیط زیست در فرآیند توسعه و محاسبه آن در حسابهای ملی، نسبت به تنظیم دستورالعملهای محاسبه ارزشها و هزینه‌های موارد دارای اولویت از قبیل جنگل، آب، خاک، انرژی، تنوع زیستی و آلودگیهای زیست محیطی در نقاط حساس اقدام و در مراجع ذی‌ربط به تصویب برساند. ضمن آنکه ارزشها و هزینه‌هایی که دستورالعمل آنها به تصویب رسیده، در امکان‌سنجی طرحهای تملک دارایی‌های سرمایه‌ای در نظر گرفته شود. بطور کلی برنامه چهارم بیش از تمام برنامه های تدوین شده به موضوع محیط زیست پرداخته است.

در پیش نویس برنامه پنجساله پنجم توسعه که به مجلس محترم ارائه شده، فصل ششم بطور مشخص اختصاص به توسعه منطقه‌ای دارد که مشتمل بر سه بخش توسعه منطقه‌ای، محیط‌زیست و توسعه روستایی بوده و به طور عمده متناظر با فصل‌های پنجم (حفظ محیط‌زیست) و ششم (آمایش سرزمین و توازن منطقه‌ای) از برنامه چهارم توسعه است. در این برنامه اقداماتی مانند تدوین و اجرای برنامه مدیریت یکپارچه زیست‌بومی و تدوین طرح جامع حفاظت پیش‌بینی کرده است. بحث توسعه روستایی در برنامه پنجم با توجه به رویکرد عدالت محورانه مورد توجه قرار گرفته در حالی که در برنامه چهارم کمتر به این مقوله توجه شده است.

از اهم سیاست‌های پیش‌بینی شده در برنامه پنجم در این خصوص ایجاد ساختار مناسب فرابخشی برای مدیریت هماهنگ توسعه روستایی و عشایری، ارتقای شاخص‌های توسعه روستایی و ارائه خدمات نوین، اولویت‌بندی خدمات روستایی براساس شرایط منطقه‌ای و محلی، حمایت از گسترش کشاورزی صنعتی و صنایع روستایی، حمایت از صندوق‌های اعتبارات خرد روستایی و عشایری و تدوین سیاست‌های تشویقی در جهت مهاجرت معکوس (از شهر به روستا) هستند.

^۸ در متن قانون بطور مشخص به این موضوع اشاره شد که شاخصهای تنوع زیستی کشور می‌بایست تا پایان برنامه چهارم به سطح استانداردهای جهانی نزدیک شوند و وضعیت مناسب یابند.

نقد برنامه های توسعه اقتصادی ایران

بطور کلی برنامه های توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور از ابتدا تا کنون دارای نقاط قوت و ضعف بوده است. به لحاظ منابع رشد اقتصادی باید گفت که عمده رشد اقتصادی ایران از محل استفاده از عوامل تولید بوده است. به عبارت دیگر اقتصاد ایران از یک فرآیند رشد اقتصادی نهاده محور تبعیت کرده است که در این فرآیند، برای تولید هر واحد محصول از منابع بیشتری استفاده شده که این به معنای ارائه الگویی نادرست از استفاده از منابع است.^۹

به رغم جایگاه ویژه ایران در منابع طبیعی و تنوع زیستی غنی کشور، استفاده پایدار از منابع محیط زیست هیچگاه مورد توجه برنامه ریزان و سیاستگذاران نبوده است. البته مشکل اساسی در این رابطه به قانون برنمی گردد زیرا که در اصل سوم و پنجاهم قانون اساسی بطور مشخص به مسائل زیست محیطی توجه ویژه ای شده است بلکه، دلیل اصلی آن است که برنامه های توسعه اقتصادی و اجتماعی کشور بدون در نظر گرفتن نظام آمایش سرزمین^{۱۰} و بدون توجه به استفاده پایدار از منابع با ارزش زیست محیطی و تنها با هدف نیل به اهداف کمی رشد اقتصادی تدوین گردیده اند.

آموخته ها و راه کارها

با بررسی انجام شده بر روی تلفیق برنامه ها توسعه اقتصادی و سیاستهای محیط زیستی، گرچه نتایج همسو سازی در هر کشور منطقه و یا بخش می تواند خاص باشد، اما تمامی آنها در موارد زیر مشترک هستند:

- چگونگی تلفیق سیاستهای توسعه اقتصادی و سیاستهای محیط زیستی بایستی در آغاز فرآیند سیاست گذاری با هدف همسو ساختن یکایک موارد تثبیت شده از سیاستها صورت پذیرد.
- اگرچه طراحی و توسعه سیاست ها در سطح ملی که بتوانند اهداف توسعه اقتصادی و محیط زیستی را در کنار هم بیاورند امکان پذیر است اما این سیاست ها توانائی ارائه نتایج خاص را ندارند. بنابر این طراحی و اجرای سیاست های تلفیقی در سطح محلی و یا منطقه ای می تواند موثرتر باشد. بعلاوه، شرایط اقتصادی، اجتماعی و محیط زیستی هر منطقه ای ضرورت طراحی و اجرای ترکیب خاصی از سیاست ها را پیشنهاد می کند. توجه به توسعه پایدار منطقه ای در سالهای اخیر، همسو سازی نزدیکتر سیاستها ی توسعه اقتصادی و محیط زیست را پر رنگ تر جلوه می دهد.

^۹ یادآوری می شود، طی دوره ۲۰۰۷-۱۹۹۵، حدود ۱۴/۵ درصد رشد اقتصادی ایران از طریق رشد بهره‌وری تامین شده در حالی که رقم مشابه برای کشورهای منتخب OECD حدود ۴۰ درصد بوده است. بنابراین اگرچه حرکت مثبتی در زمینه استفاده بهتر از منابع در کشور ایران مشاهده می شود اما هنوز برای رسیدن به وضع مطلوب نیازمند تلاش‌های بیشتری هستیم.

^{۱۰} با وجود اشاره به آن در برنامه های اول تا چهارم، هنوز هیچ اقدامی در این رابطه صورت نگرفته است.

- به منظور دستیابی به همسوسازی برنامه های توسعه اقتصادی و سیاستهای محیط زیست، ایجاد یک چارچوب کاری سازمانی و عملیاتی بسیار اساسی و لازم به نظر می رسد. به بیانی دیگر، اقتباس و یا طراحی رویکرد مناسب و برنامه ریزی همچنین ظرفیت سازی و ایجاد توانایی های مالی در هر سطح از سرمایه گذاری (ملی یا منطقه ای) برای طراحی سیاستهای هر دو بخش دولتی و خصوصی ضروری می باشد.
- کیفیت تکنیک ها و روشهای به کارگرفته شده در ایجاد یک بسته سیاستی همسو گرایانه بسیار مهم می باشد. همچنین بکارگیری یک رویکرد کیفیتی برای پایش و بررسی سیاستها می تواند استفاده از منابع را کارا تر سازد.
- تئوری نوسازی محیط زیست اگرچه دارای کاستی هایی است اما چارچوب کاری قوی را برای آنالیز سیاستهای تلفیقی ارائه می کند و درک مناسبی از دلیل عدم پایداری ارتباط میان توسعه اقتصادی و محیط زیست بیان می دارد. البته باید در نظر داشت که بدلیل پویایی، پیچیدگی و تغییرات مستمر در ارتباط میان محیط زیست و اقتصاد برگزیدن یک مدل خاص برای همسو سازی برنامه های توسعه اقتصادی و سیاستهای محیط زیست امکان پذیر نیست.

منابع و ماخذ :

- ۱- آسایش حسین، ۱۳۷۴، اقتصاد روستایی، دانشگاه پیام نور
- ۲- پژوهان جمشید، ۱۳۸۸، مقایسه و تحلیل عملکرد اقتصادی دولت‌های بعد از انقلاب
- ۳- چمران محمد هادی، ۱۳۷۷، سیر تحول مشکلات و ساختار سازمان برنامه و بودجه، مجموعه مقالات همایش پنجاه سال برنامه ریزی توسعه در ایران، جلد اول
- ۴- سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۷۴-۷۸، قانون برنامه دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران
- ۵- سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۷۹-۸۳، قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران
- ۶- سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۶۲-۶۶، قانون برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران
- ۷- مهاجرانی مصطفی، ۱۳۷۷، سیری در تحولات نظام برنامه ریزی در ایران (۱۳۷۳-۱۳۰۶) و توصیه‌هایی برای برنامه دوم، مجموعه مباحث و مقالات اولین همایش تدوین برنامه سوم توسعه جلد ششم

- 1 – Adrian Smith and Florian Kern, the Transitions Discourse in the Ecological Modernization of the Netherlands, University of Sussex, UK, 2007
- 2- Andrew Gouldson and Peter Roberts, Integrating Environment and Economy, London and New York, 2000
- 3- Arthur P.J. Mol and David A. Sonnenfeld, the Emergence of Ecological Modernization Theory, Environmental Politics, 2000
- 4- David .Stern, the Environmental Kuznets Curve, International Society for Ecological economics, Department of Economics, Roeselare Poly Technique Institutes
- 5- Gabriela Popa, Cristina-Zizi Rizescu, Ofelia-Valentina Robescu, Cezarina Necula, Environmental Policy and Industrial Innovation: Integrating Environment and Economy Through Ecological Modernization, Valahia University from Targoviste, Romania
- 6- T.Panayotou, Economic Growth and the Environment, Economic Survey of Europe, 2003, No, 2
- 7-Keith Clement and John Bachtler, European Union Perspectives on the integration of environment protection and economic development, 2000

Abstract

In recent years governments across the world have initiated numerous environmental policies in an attempt to respond to the negative impacts of economic development. Many of these policies have been at least partly successful as it is possibly that the quality of the environment would have declined much more rapidly without such policy intervention. However, despite some important successes, the policies that were initiated have been incapable to address the negative impacts of economic development in a comprehensive way. This paper explores the ability of policy to influence environment – economic linkage. It emphasizes an environmental master plan that can be formulated throughout the government. The environmental master plan should be used together with economic development master plan to formulate integrated environmental and economic policies and plans. In this respect, ecological modernization is being introduced as a conceptual framework for understanding the potential of economy – environment integration.

